ضرورت بحث از قصد در معاملات و انواع قصد

شاگرد۵: سؤال من این بود که در شروع حضرتعالی قصد را به‌عنوان یک عنصر نقلی در نظر می‌گیرید. یعنی ما چیزی به‌عنوان قصد داریم. حالا می‌خواهیم حدود آن را تعریف کنیم. اما پارادایمی که من آوردم این بود که ممکن است طوری بشود که اصالً نیازی به قصد به این صورت نباشد. تلقی من از فرمایشات قبلی شما این شد: می‌خواهیم آن پشتوانه عقلاء که قیم و غایات است را تحلیل کنیم و ببینیم آن چیزی که خود عقلاء می‌گویند - که شارع هم همان را امضاء می‌کند - چه نوع چیزی است؟ می‌خواهیم آن را تعیین کنیم. فقها هم که در لسان شما بود، تلقی من این بود که از این باب است که دارند روابط نفس الامری را در نظر می‌گیرند. و الا شروع ما از کلام فقها نیست.

استاد: حالا اگر روش را عوض کنیم چه می‌شود؟

شاگرد۵: اول سراغ کلام فقها نرویم که اجماع داریم که قصد لازم است، حالا این قصد چیست. بلکه چون امضائی است ابتدا اغراض و قیم را نگاه کنیم و ببینیم اینجا مسمای آن قصدی که باید باشد چیست؟ نه اینکه کلام فقها را پایه بگذاریم و بعد بگوییم مقصود از قصد چیست.

استاد: اگر فرمایش شما این است، مانعی ندارد. من عرض کردم مباحثه ما سه بخش دارد. بخش اول، پیدا کردن شواهد واضح است به گونه‌ای که نزد کل بشر ارائه بشود که تفاوت بگذارند بین هوش اشراق‌محور با پایه‌محور. انسانی که خدای متعال جوهره روح او را از عالم دیگری با سنخ دیگری آورده و «رکّب فی بدن»، این تمایز را بفهمند؛ آن جایی که برای روح است، با آن جایی که برای خود بدن است، با جایی که تعامل هر دو است، اینها روشن بشود. این بخش اول بود.

بخش دوم این بود که حالا بدن به‌عنوان پایه روح، محل ظهور مطالبی است در این پایه و در این مرکب؛ اینها را در هوش مصنوعی تحلیل کنیم و ببینیم خصوصیات انسانی پایه‌محور -نه اشراق‌محور که موطنش آنجا است- آنچه که در پیشرفت‌های امروزی ممکن است، چه تحلیلی برایش داریم؟

بخش سوم؛ اگر در گام دوم، تحلیل پایه‌محور را قبول کردیم، حکم فقهی آن چیست؟ آیا اجازه می‌دهید که در فضای گام دوم، ببینیم که اصالً قصد پایه‌محور داریم یا نداریم؟ چرا این را عرض می‌کنم؟ به خاطر اینکه اگر گفتیم قصد پایه‌محور نداریم، کسانی که بعداً در فقه روی کلمات فقها پافشاری کنند و در موارد قصد را نیاز بدانند، همه اینها را ابطال می‌کنند. این کارهای هوش مصنوعی را قبول ندارند. اما اگر قصد پایه‌محور به نحوی که هست سر برسد، قصدهایی که همان فقها در بخشی از فقه مدافعش هستند، با توضیحی که در اینجا می‌دهیم، می‌توانند آن را قبول کنند.

شاگرد۵: من عرض می‌کنم که نه تنها در مرحله دوم، بلکه در مرحله سوم هم روش شروع از اینجا است. چون قرار است یک مسأله امضائی که عقلاء براساس قیم و غایات چیدهاند را تحلیل کنیم.

لذا برای تحلیل از خود عقلاء شروع می‌کنیم. پس اگر بر اساس قیم و غایات در عقلاء رفتیم و درآوردیم، آن وقت درست است.

استاد: علی ای حال فقه، یک علم مستقر و جا گرفته است. از عباراتی که حاج آقا یک بار فرمودند این بود: اصول زود عوض می‌شود اما فقه ثابت می‌ماند. خود جامع المسائلی که حاج آقا نوشتند ۵ جلد فقه فتوائی است. اگر نگاه کنید، کاملاً متبلور است. به قلم خودشان است. این چیزی که نوشتند، صیانت فقه است. همان چیزی است که از ایشان شنیدم که فرمودند اصول زود عوض می‌شود اما فقه ثابت می‌ماند. این در نحوه قلم خودشان هم معلوم می‌شود. یعنی فتاوا و نصوص ریخت فقه طوری است که فقها عنایت دارند آن شالوده را نگه دارند. لذا اینجور نیست که فوری بگوییم ام سرا غ امضاء می‌روی و تمام! یک مبنا بیایی و شالوده‌ای که در کل تاریخ فقه، فقها از آن محافظت کرده‌اند را برداری؛ اینجور نیست. باید طوری باشد که آنها را به هم نزنیم و بحث‌های ما با محافظت بر آن شالوده جلو برود. کلماتی که علماء داشتند؛ از مفید و سید و شیخ؛ می‌فرمودند این سه نفر شالوده مذهب و فقه کلاسیک را ریختند. قبلش هم قدیمین و بعدش هم متأخرین هستند.

شاگرد۱: چون در بحث عقد، مسأله جد و هزل مطرح است، از این نمی‌توان قصد را درآورد؟ یعنی بگوییم حتماً باید قصد باشد؟ چون در این صورت بین جد و هزل فرقی نیست. لذا این مرحله از قصد در اینجا لازم است.

استاد: آن قصد لازم در عقود، در هوش مصنوعی به نحو پای‌همحور، که فقیه قانع بشود که بگوید این قصدی که شارع فرموده در هوش مصنوعی داریم، آیا می‌توانیم این را تقریر کنیم یا نه؟

شاگرد۱: در مقابل فرمایش آقا که فرمودند در اینجا باید قصد را کلاً فاکتور بگیریم عرض می‌کنم.

استاد: بله، می‌خواهید بگویید نمی‌شود.

شاگرد۵: مقصودم این نیز ان نبود. مقصودم این بود که اگر می‌خواهید این را برای فقها جلوه بدهیم، تنها راه تحلیل عقلائی آن است.

استاد: ببینید؛ کارگزار ما در هوش مصنوعی، همان عامل هوشمند ماشینی است و او دارد کار را انجام می‌دهد. مثل وکیلی که عرض کردم؛ هوش مصنوعی وکیل تامی برای یک متمول و مالکی بشود؛ سه-چهار سال؛ بعداً می‌آیید و می‌بینید این هوش مصنوعی زکات مالش را هم داده است. خب زکات که قصد قربت می‌خواهد. او زکات را داده است. اینجا کافی هست یا نیست؟ خب او که نمی‌تواند قصد قربت کند. قصد قربت باید از وکیلی باشد که انسان باشد. اما سائر کارها را می‌توانند انجام بدهد یا نه؟ معاملی را می‌توانند انجام بدهد یا نه؟ قصد قربت در اداء زکات در فقه با قصد انشاء در عقد بیع نزد فقهاء یک جور است یا نه؟ اگر یک جور است، حرفی نیست. اگر توضیح دادید که فقیه اینها را دو جور می‌بیند و در هوش مصنوعی پای‌همحور، قاصد انشاء می‌توانیم داشته باشیم، آن وقت وکیلی که زکات داده را از طرق دیگری می‌توانیم تصحیح کنیم. بعداً بگوید ذمه او مشغول است ولی طلب فقراء را دارد، لذا تهاتر می‌شود. آن را از باب تهاتر ذمم حلش کنیم. ولی در معامله، خود معامله را تصحیح کنیم.

پرسش و پاسخ در مورد تربیت فرزندان؛ در مورد فرزندانی که استعداد حفظ قرآن دارند که آیا مطلوب است به مدت یک سال آنها را به مدرسه نفرستند و آنها را برای حفظ قرآن بفرستند؟
پاسخ: اصل اینکه حافظ قرآن شوند، مطلوبیت نفسیه حتمیه دارد و بچه‌هایی که از سنین کم

حافظ شوند در آیندە فوایدِ بسیاری از این حافظ بودن در سنین کم می‌برند. اما در این راجحیت نفسیە قطعیە، خصوصیات مزاج طفل، محیطی کە در آن هست، در نظر گرفتە شود. اینگونە نباشد کە والدین سر شوق بیایند و بیش از ظرفیت فرزند بر او بار کنند. خیلی مهم است کە خود طفل بەصورت خودجوش دنبال کند. حتی در مورد طلاب کە خیلی خوب است حافظ شوند، اما از مرحوم حاج آقا مرتضی حائری نقل شدە کە نهی شدید می‌کردند از اینکە طلبە در بحبوحە درس خواندن کە باید بە فقاهت و ملا شدن و فهم قرآن برسند و اهم آن است کە فقیە شوند، حفظ قرآن کنند. البتە پیش از آن و در وقتی کە مجال و فراغت آن هست در سنین پایین، حفظ قرآن خیلی خوب است و هم شوق و هم آمادگی بچە باید در نظر گرفتە شود، بدون اینکە روی او فشار عصبی بیاید.

- اشارە بە اعجاز صلوات برای رفع گرفتاری‌های بزرگ

والحمد للە رب العالمین

بازبینی #2
ایجاد شدە 17 نوامبر 2025 14:42:19 توسط ... .
بە روزرسانی شدە 19 نوامبر 2025 13:13:36 توسط ... .